

اعتماد اجتماعی و عوامل مرتبط با آن

(مطالعه پیمایشی جوانان شهر مشهد)

محمدعلی خلیلی اردکانی* ، بهاره آروین* ، فرزاد توسلی فرشته***

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۳/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۲/۱۷

چکیده

اعتماد اجتماعی یکی از جنبه‌های مهم روابط انسانی است که زمینه را برای ایجاد ارتباط و همکاری میان اعضای جامعه فراهم می‌کند. از این روی اعتماد اجتماعی همواره از اهمیت زیادی برخوردار بوده است. در جوامع مدرن ایجاد تغییرات گسترده در شیوه ساماندهی اجتماعی، تقسیم‌کار گسترده، افزایش فاصله زمانی و مکانی روابط، و افزایش عدم تعین و مخاطرات در حیات اجتماعی موجب شده است که اعتماد اجتماعی به‌ویژه دو بُعد اعتماد تعمیم‌یافته و نهادی آن بیش‌ازپیش اهمیت و ضرورت پیدا کند. این پژوهش درصدد تبیین جامعه‌شناختی اعتماد اجتماعی جوانان شهر مشهد است. حجم نمونه ۳۸۴ نفر محاسبه شده و نمونه‌گیری به روش

m Khalili@modares.ac.ir

bahare.arvin@gmail.com

tavassolifarzad@yahoo.com (نویسنده مسئول). ***

* استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس.

** استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس.

*** کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول).

خوشه‌ای چندمرحله‌ای انجام گرفته است. در این پژوهش اعتماد اجتماعی در سه بعد بین شخصی، تعمیم‌یافته و نهادی مورد سنجش قرار گرفته است. همچنین یافته‌های توصیفی پژوهش نشان داد که میزان اعتماد اجتماعی در بین ۲۵/۵ درصد از پاسخگویان زیاد، ۵۳/۱ درصد متوسط و ۲۱/۴ درصد کم می‌باشد. مدل نظری تحقیق با الهام از دو دسته نظریات سرمایه اجتماعی و نظریات نهاد محور، تدوین گردیده است. فرضیات تحقیق مستخرج از مدل نظری، دلالت بر وجود رابطه متغیرهای گسترده‌ی روابط اجتماعی، احساس عدالت و فردگرایی خودخواهانه با اعتماد اجتماعی دارد. در سطح تجربی، استدلال‌های نظری تحقیق از طریق روش تحلیل رگرسیون مورد داوری قرار گرفته است. بر مبنای نتایج تبیینی تحقیق، همبستگی معناداری بین هر سه متغیر مستقل و ابعاد اعتماد اجتماعی وجود دارد. با توجه به نتایج بدست آمده از آزمون رگرسیون گام‌به‌گام، متغیرهای گسترده‌ی روابط اجتماعی و احساس عدالت در مدل نهایی باقی ماندند و متغیر فردگرایی خودخواهانه اگرچه همبستگی معناداری با اعتماد اجتماعی دارد اما به‌عنوان متغیر پیش‌بین از مدل نهایی خارج گردید. بر اساس نتایج رگرسیون در مدل نهایی با حضور دو متغیر گسترده‌ی روابط اجتماعی و احساس عدالت، ضریب همبستگی چندگانه ۰/۶۰۱، و ضریب تعیین تعدیل شده ۰/۳۵۸ بدست آمده است. بر اساس ضریب تعیین تعدیل شده بدست آمده در مدل نهایی، می‌توان گفت که ۳۶ درصد از تغییرات اعتماد اجتماعی توسط دو متغیر احساس عدالت و گسترده‌ی روابط اجتماعی تبیین می‌شود. همچنین نتایج آزمون رگرسیون نشان داد که وزن متغیر احساس عدالت در تبیین اعتماد اجتماعی جوانان بیشتر از سایر متغیرهای مستقل موجود در تحلیل است.

واژه‌های کلیدی: اعتماد اجتماعی، اعتماد بین شخصی، اعتماد

تعمیم‌یافته، اعتماد نهادی، گسترده‌ی روابط اجتماعی، احساس عدالت، فردگرایی خودخواهانه.

بیان مسئله

یکی از جنبه‌های مهم روابط انسانی، «اعتماد اجتماعی» است که زمینه را برای ایجاد ارتباط و همکاری میان اعضای جامعه فراهم می‌کند. از این روی اعتماد اجتماعی همواره از اهمیت زیادی برخوردار بوده است به گونه‌ای که یافته‌ها و نظریات جامعه‌شناسان بیانگر آن است که زندگی اجتماعی که در جریان است، بدون اعتماد اجتماعی دچار اختلال می‌شود (Good, 1988: 32). هم‌چنین نظریه‌پردازان جامعه‌شناسی بر این باور هستند که یکی از عناصر و پیش‌شرط‌های پایداری روابط اجتماعی اعتماد اعضای جامعه به یکدیگر است (Seligman, 1997: 13). اعتماد اجتماعی بن‌مایه‌ای کلیدی برای سرمایه اجتماعی است و پیش‌شرطی برای تحقق دموکراسی، سامان و نظم اجتماعی پویا و درنهایت توسعه در ابعاد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است (زتومکا، ۱۳۸۶).

اعتماد عبارت است از تمایل فرد به قبول ریسک در یک موقعیت اجتماعی، که این تمایل مبتنی بر حس اطمینان به این نکته است که دیگران به گونه‌ای که انتظار می‌رود عمل نموده و شیوه‌ای حمایت‌کننده را در پیش خواهند گرفت. به تعبیر فوکویاما اعتماد انتظاری است که در یک اجتماع منظم، صادق و دارای رفتار تعاونی خود را نشان می‌دهد (شارع پور، ۱۳۸۵: ۴۳). اعتماد اجتماعی جهت‌گیری اخلاقی مثبت در میان شهروندان و از پایه‌های اخلاقی جامعه دموکراتیک است. جوهر اعتماد انتظارات اخلاقی و ابزاری ناظر بر دیگری است. بر مبنای اعتماد اجتماعی انتظار داریم رابطه ما با دیگری مبتنی بر ارزش‌های اخلاقی مانند: تعهد، صداقت و مسئولیت‌پذیری باشد (ساعی، ۱۳۸۹: ۱۸). دلایل مختلفی دال بر اهمیت اعتماد اجتماعی در حفظ نظم اجتماعی و حرکت جامعه در مسیر توسعه، و نیز مسئله مندی کاهش اعتماد اجتماعی وجود دارد: اعتماد اجتماعی به‌عنوان پیش‌شرط اساسی تعاون، در شکل‌گیری فعالیت‌های گروهی و تعاملات متقابل کنشگران از اهمیت برخوردار است. از این روی فرسایش اعتماد موجب کاهش تعاون و همکاری در جامعه خواهد شد (زتومکا، ۱۳۸۶):

۲۷). اعتماد اجتماعی پیش شرط یک فرهنگ و نظام سیاسی پویا و دموکراتیک است و وجود جو بی‌اعتمادی در جامعه، موجب تضعیف فرهنگ سیاسی دموکراتیک و کاهش اعتماد سیاسی می‌شود. (Almond and Verba, 1965: 228).

از سوی دیگر، بی‌اعتمادی سرمایه اجتماعی را دچار فرسایش می‌کند و موجب انزوا، تجزیه، شکست انجمن‌ها و نابودی شبکه‌های بین شخصی می‌شود و مسیرهای ارتباطات را مسدود می‌کند و موجب جدایی اعضای جامعه از یکدیگر می‌شود (زتومکا، ۱۳۸۶: ۱۸۷). هم‌چنین کاهش اعتماد هزینه نظارت کارفرمایان بر فعالیت‌های اقتصادی را افزایش داده و موجب کاهش کارایی در فعالیت‌های اقتصادی خواهد شد (فوکویاما، ۱۳۸۴: ۱۷۵ - ۱۷۶). فقدان اعتماد در بین اعضای جامعه موجب شکل‌گیری گرایش‌های تدافعی، عقاید قالبی خصمانه، پیش‌داوری و بیگانه‌هراسی و ایجاد توهم توطئه می‌شود (Banfield, 1967: 10) و موجب کاهش تساهل و مدارا در جامعه می‌شود (Parry, 1976: 129). در شرایط بی‌اعتمادی، ممکن است در جهت افزایش قطعیت، قابلیت پیش‌بینی و نظم برخی از راهکارها نظیر کاربرد زور و روش‌های قهری و رشوه به‌عنوان جایگزین‌هایی برای اعتماد رواج یابند (زتومکا، ۱۳۸۶: ۲۰۵). بی‌اعتمادی به نهادهای جامعه منجر به کاهش مشروعیت و مقبولیت نظام سیاسی و نیز تضعیف تعهد اجتماعی و کمرنگ شدن هویت اجتماعی و ملی می‌شود (ازکیا و حسنی راد، ۱۳۸۸: ۱۲).

شواهد بسیاری دال بر کاهش اعتماد اجتماعی در تمام ابعاد و سوگیری عاطفی و خاص‌گرا در روابط کنشگران در همه سطوح در جامعه ایران وجود دارد (چلبی، ۱۳۸۶: ۷۷، و آزاد ارمکی و کمالی، ۱۳۸۳: ۱۰۰). نتایج مطالعات انجام گرفته در این زمینه در سطح کشور حاکی از پایین بودن میزان اعتماد اجتماعی در اقشار مختلف جامعه است. در این پژوهش اعتماد اجتماعی جوانان (افراد ۱۸ - ۳۰ ساله) شهر مشهد و عوامل مؤثر بر آن مورد مطالعه قرار گرفته است. شهر مشهد به‌عنوان یک کلان‌شهر دارای ویژگی‌هایی نظیر تزايد نقش‌ها و تمایز اجتماعی، پیچیدگی نهادها و افزایش ابهام

در مورد نهادها، گمنامی و غریبه بودن نسبت به محیط اجتماعی و سایر افراد و مهاجرپذیری و در نتیجه آن حضور افراد با خرده‌فرهنگ‌های مختلف است. وجود این ویژگی‌ها، بر اهمیت و ضرورت گسترش اعتماد اجتماعی از سطح پیوندهای خانوادگی و خویشاوندی به کلیه شهروندان و نهادها، افزوده است و عدم تحقق این امر موجب بروز اختلال در حیات اجتماعی و عدم موفقیت نهادها در دستیابی به اهداف خود می‌شود. استدلال‌های نظری بیان شده در باب نقش مهم اعتماد در حفظ نظم اجتماعی و پویایی جامعه در مسیر توسعه و هم‌چنین لزوم شناخت عوامل مؤثر بر اعتماد، برای برنامه‌ریزی و ارائه راه‌حل در جهت افزایش آن، بیانگر اهمیت و ضرورت پژوهش حاضر می‌باشند.

تحقیق حاضر با توجه به دو جنبه توصیفی و تبیینی آن دارای اهمیت و ضرورت است. اهمیت جنبه توصیفی این پژوهش که بیانگر میزان اعتماد اجتماعی است، بر مبنای دلایلی که در مورد اهمیت و نقش اساسی اعتماد اجتماعی در تداوم نظم اجتماعی و نیز پیامدهای مسئله‌گون کاهش اعتماد اجتماعی ارائه شد، توجیه می‌شود. کاهش اعتماد اجتماعی پیامدهای منفی و نامطلوبی همچون کاهش تعاون و همکاری، فرسایش سرمایه اجتماعی، تضعیف فرهنگ سیاسی دموکراتیک، کاهش کارایی در فعالیت‌های اقتصادی، افزایش انزوا و تضعیف انسجام اجتماعی، افزایش نظارت و کنترل بر اعضای جامعه و در نتیجه کاهش عاملیت و آزادی عمل افراد، رشد عقاید قالبی، بیگانه‌هراسی و توهم توطئه، گرایش به اقتدارگرایی و رشد ارتشاء و رشوه، در جامعه دارد. هم‌چنین فقدان اعتماد اجتماعی در درون یک جامعه می‌تواند موجب بیرونی شدن اعتماد شود. بدین معنا که در شرایط بی‌اعتمادی نسبت به سیاستمداران، نهادها و محصولات داخلی، مردم به جوامع خارجی توجه می‌کنند و اعتمادشان به نهادها، باورها و محصولات خارجی معطوف می‌شود (زتومکا، ۱۳۸۶: ۲۱۰). بیرونی شدن اعتماد در سه حوزه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی می‌تواند پیامدهای نامطلوبی داشته باشد. بیرونی شدن اعتماد در سطح سیاسی می‌تواند موجب کاهش مشروعیت نظام سیاسی شود. در زمینه

اقتصادی باعث تضعیف بنگاه‌های اقتصادی داخلی می‌شود و در حوزه فرهنگی، موجب بی‌توجهی به ارزش‌ها و باورهای بومی، عدم خودباوری و بیگانگی فرهنگی شده و زمینه را برای پذیرش کورکورانه ارزش‌ها و هنجارهای بیگانه و متعارض با فرهنگ بومی فراهم می‌کند. فقدان اعتماد اجتماعی مانعی بر سر راه مشارکت و وفاق اجتماعی است و زمینه را برای ایجاد تضاد و شکاف در میان بخش‌های مختلف جامعه و به تبع آن عدم توفیق سیاست‌های عمومی و برنامه‌های توسعه فراهم می‌آورد (ازکیا و حسنی راد، ۱۳۸۸: ۹). بنابراین با توجه به این که ریشه بسیاری از مسائل اجتماعی را می‌توان در بی‌اعتمادی افراد به یکدیگر و بی‌اعتمادی به نهادهای جامعه، پیدا کرد، مطالعه میزان اعتماد اجتماعی از ضرورت و اهمیت زیادی برخوردار است. آگاهی مسئولان و سیاست‌گذاران از وضعیت اعتماد اجتماعی موجب می‌شود تا در صورت لزوم در جهت کنترل و کاهش پیامدهای منفی بی‌اعتمادی، اقدام به برنامه‌ریزی برای افزایش میزان اعتماد اجتماعی کنند.

اهمیت جنبه تبیینی این تحقیق یعنی مطالعه عوامل مؤثر بر اعتماد اجتماعی نیز برخاسته از این مطلب است که هرگونه تلاش در جهت برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در جهت ارتقای میزان اعتماد اجتماعی مستلزم شناخت عوامل مؤثر بر آن و ایجاد تغییرات در این عوامل می‌باشد. از این‌رو پژوهش حاضر در جهت شناخت میزان اعتماد اجتماعی در میان جوانان شهر مشهد و برخی از عوامل تأثیرگذار بر آن صورت می‌گیرد و در پی پاسخ به پرسش‌های ذیل است:

- ۱- میزان اعتماد اجتماعی جوانان شهر مشهد چگونه است؟
- ۲- عوامل مؤثر بر میزان اعتماد اجتماعی جوانان شهر مشهد کدام‌اند؟

پیشینه تحقیق

امیرکافی در سال ۱۳۷۴ در پژوهشی با عنوان «اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن» که به صورت پیمایشی و با نمونه‌ای ۲۱۰ نفری از شهروندان تهرانی انجام داده است، به بررسی اعتماد بین شخصی پرداخته است. وی متغیرهای تعاملات اظهاری، سرمایه اجتماعی، امنیت، تعهد به یک رابطه، تعهد درونی، مقبولیت اجتماعی، و دگر خواهی را به عنوان متغیرهای مستقل تحقیق بررسی نموده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که تمامی متغیرهای مستقل بیان شده، با اعتماد اجتماعی همبستگی معنادار و مثبتی دارند (امیر کافی، ۱۳۸۰: ۳۸).

عباس زاده در پژوهشی با عنوان «عوامل مؤثر بر شکل‌گیری اعتماد اجتماعی دانشجویان» در نمونه‌ای شامل ۲۴۸ نفر از دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه تبریز به بررسی اعتماد اجتماعی پرداخته است. نتایج حاصل از این پیمایش نشان می‌دهد که امنیت اجتماعی، پایداری به نقش اجتماعی، همکاری، سرمایه اجتماعی، و تعاملات ابزاری به ترتیب مؤثرترین عوامل تأثیر بر اعتماد اجتماعی هستند (عباس زاده، ۱۳۸۳: ۲۸۳).

اجاقلو و زاهدی در پژوهشی با عنوان «بررسی اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در بین ساکنان شهر زنجان» به روش پیمایشی به سنجش اعتماد اجتماعی پرداخته‌اند. در این پژوهش متغیرهای سنت‌گرایی، پایگاه اجتماعی- اقتصادی و تحصیلات به عنوان متغیرهای مستقل در نظر گرفته شدند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که بین سنت‌گرایی، منطقه سکونت، تحصیلات و میزان مطالعه افراد با اعتماد اجتماعی رابطه معنادار و مستقیمی وجود دارد (اجاقلو و زاهدی، ۱۳۸۴: ۹۲).

وثوقی و حیدری در پژوهشی دیگر با عنوان «بررسی اعتماد اجتماعی دانشجویان دختر دانشگاه‌های شهر ایلام و عوامل مؤثر بر آن» که به روش پیمایشی و با نمونه‌ای ۳۷۷ نفری از دانشجویان دختر دانشگاه‌های شهر ایلام، صورت گرفته، اعتماد اجتماعی را بر مبنای مفاهیم دگرخواهی، احساس امنیت اجتماعی و تعاملات اظهاری تبیین

کرده‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که اعتماد بین شخصی پاسخگویان کمتر از سطح متوسط، اعتماد خاص گرایانه آن‌ها در حد متوسط به بالا، اعتماد عام گرایانه در حد کم و اعتماد نهادی نیز متوسط بوده است. هم‌چنین نتایج بدست آمده نشان داد که متغیرهای دگر خواهی، احساس امنیت اجتماعی و تعاملات اظهاری، مجموعاً ۴۵ درصد از واریانس متغیر وابسته یعنی اعتماد اجتماعی را تبیین می‌کنند (وثوقی و حیدری، ۱۳۹۰).

پاکستون در تحقیقی با عنوان «عضویت در نهادها و اعتماد تعمیم‌یافته: یک مدل چند سطحی در میان ۳۱ کشور» به نقش عضویت در انجمن‌های داوطلبانه در ارتقای اعتماد تعمیم‌یافته پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان داد که در سطح فردی، عضویت در انجمن‌های دارای ارتباط بیشتر نسبت به عضویت در انجمن‌های منزوی، با اعتماد بیشتری همراه بوده است و در سطح ملی نیز کشورهایی که دارای انجمن‌های داوطلبانه همراه با ارتباط بیشتری هستند، اعتماد اجتماعی بالاتری دارند تا کشورهای دیگر که فاقد این انجمن‌ها هستند. (Paxton, 2007)

وینکای سان و ژیانگ‌ونگ وانگ پژوهشی در مورد تأثیر عملکرد دولت بر اعتماد اجتماعی در سال ۲۰۱۲ در چند شهر کشور چین انجام داده‌اند. نتایج این تحقیق حاکی از آن است که همبستگی قوی بین اعتماد افراد به سایر شهروندان و کیفیت عملکرد دولت وجود دارد، به طوری که کنش‌های مثبت دولت در جهت تسهیل جریان اطلاعات که باعث شفاف‌سازی اطلاعات می‌شود، به طور معناداری منجر به افزایش اعتماد می‌شود. هم‌چنین به طور بالعکس کنش‌های منفی دولت نظیر فساد، اجرای توأم با خشونت قوانین و امتیازات انحصاری به طور معناداری اعتماد اجتماعی را کاهش می‌دهد (Sun and Wang, 2012).

دلهی و نیوتن در پژوهش تطبیقی که در مورد ۶۰ کشور جهان انجام دادند به این نتیجه رسیده‌اند که متغیرهای مذهب، همگونی اجتماعی، فقدان شکاف‌های اقتصادی،

برابری اجتماعی و فقدان فساد، رابطه معناداری با اعتماد اجتماعی دارند (Delhey and Newton, 2005).

پژوهشی که فرایتاگ در بررسی تطبیقی وضعیت اعتماد اجتماعی در دو کشور ژاپن و سوئیس انجام داده، نشان می‌دهد که بین متغیرهای سطح تحصیلات، میزان استفاده از رسانه‌های جمعی، اعتماد سیاسی، فرهنگ جهان شهری و میزان اعتماد اجتماعی رابطه وجود دارد (Fritage, 2003).

با بررسی تحقیقات انجام گرفته در کشور ما می‌توان دریافت که بیشتر آن‌ها در تبیین اعتماد اجتماعی از نظریاتی که در رویکرد سرمایه اجتماعی قرار می‌گیرند، استفاده کرده‌اند و غالباً مفاهیمی نظیر میزان روابط اجتماعی، نوع تعاملات اجتماعی، اعتقادات مذهبی، تعهد اجتماعی، مشارکت مدنی، دیگر خواهی و رضایت از زندگی را به‌عنوان عوامل مؤثر بر اعتماد مورد مطالعه قرار داده‌اند، و در تدوین مدل‌های نظری، کمتر به نظریات نهاد محور که بر تأثیر کیفیت و عملکرد نهادهای دولتی بر میزان اعتماد اجتماعی تأکید دارند، توجه شده است. از این‌رو در پژوهش حاضر سعی شده تا با توجه به هر دو رویکرد سرمایه اجتماعی و نهاد محور، دستگاه نظری جهت تبیین اعتماد اجتماعی ارائه گردد.

مبانی نظری

در نظریه دورکیم مبنای نظم جمعی تعهدات درونی مشترک است. طبق نظر دورکیم نظم اجتماعی نظم است هنجاری و فوق فردی. هنجارها هستند که افراد را به‌عنوان مجموعه ای مشبک به‌صورت بین ذهنی به هم مرتبط می‌سازند. (چلبی، ۱۳۸۶: ۳۳). در اندیشه دورکیم تعهد به نیروی هنجاری جامعه و نیز علقه اجتماعی، به تراکم اجتماعی یا اخلاقی (میزان تراکم تعاملات اجتماعی) وابسته است (همان: ۱۰۷ - ۱۱۰). بدین معنی که هرچه افراد جامعه بیشتر در تماس با یکدیگر قرار گیرند و قادر باشند با یکدیگر بیشتر به تعامل بپردازند، میزان تعهد آن‌ها به نیروی هنجاری حاکم بر جامعه

بیشتر شده و زمینه برای افزایش میزان اعتماد فراهم می‌گردد. دورکیم بین دو نوع فردگرایی تفاوت قائل می‌شود: یکی فردگرایی افراطی یا خودخواهانه که حاصل گسستن فرد از پیوندهای اجتماعی و ناشی از خودخواهی است و دوم، فردگرایی ناشی از تقسیم‌کار که آن را کیش فرد می‌خواند. به نظر او اگر یک نظام اجتماعی تنها متشکل از خودهای سراسر منفعت‌طلبی باشد که فقط به دنبال برآوردن اهداف و امیال شخصی خود بدون توجه به نتایج اجتماعی عملکردشان باشند، نظم اجتماعی فرومی‌پاشد و آسیب‌ها و نابهنجاری‌ها در جامعه گسترش می‌یابند، زیرا درجایی که تنها منفعت حاکم است، از آنجاکه هیچ مهارتی بر خودپرستی‌ها و خودخواهی‌های افراد در کار نیست، هر منی در برابر «من» های دیگر به حالت تخصم و ستیز خواهد بود و بنابراین افراد نمی‌توانند به دیگران اعتماد کنند (دورکیم، ۱۳۶۹: ۲۱۸). در این وضعیت یگانگی و همبستگی فرد با اجتماع بسیار اندک است و این کاهش همبستگی اجتماعی و وابستگی عاطفی نسبت به اجتماع، منجر به بیگانگی و جدایی فرد از جامعه می‌شود. کاهش وابستگی عاطفی فرد به اجتماع و افزایش بیگانگی، موجب کاهش اعتماد اجتماعی می‌گردد (وثوقی و میرزایی، ۱۳۸۷: ۱۲۸).

پاتنام اعتماد اجتماعی را ناشی از دو منبع مرتبط یعنی هنجارهای معامله متقابل و شبکه‌های مشارکت مدنی می‌داند. از نظر پاتنام اعتماد، همکاری را تسهیل می‌کند و هرچه سطح اعتماد در جامعه‌ای بالاتر باشد، احتمال همکاری نیز بیشتر خواهد بود. به‌طور متقابل همکاری نیز موجب افزایش اعتماد می‌شود (شارع پور، ۱۳۸۵: ۴۵). از نظر پاتنام هرچه تعامل میان افراد بیشتر باشد، آن‌ها اطلاعات بیشتری درباره یکدیگر به دست می‌آورند و انگیزه‌های بیشتری برای اعتماد پیدا می‌کنند. همکاری موفقیت‌آمیز در یک مورد، پیوند و اعتماد، یعنی دارایی اجتماعی را ایجاد می‌کند که همکاری‌های آتی درباره موضوعاتی که ارتباطی با آن مورد ندارد را تسهیل می‌کند (پاتنام، ۱۳۸۴: ۱۰۰).

بر اساس نظریه چلبی، اعتماد ریشه در وابستگی عاطفی دارد، به اعتقاد او هرگاه عواطف مثبت رشد یافته و بتواند در میان افراد انتقال یابد، اعتماد ایجاد و تقویت

می‌گردد. در ارتباط با چگونگی انتقال عواطف، او معتقد است که تعاملات اظهاری یا روابط گرم در این زمینه نقش کلیدی دارند. (چلبی، ۱۳۸۶: ۱۴۸). اگر تعاملات اظهاری و روابط انجمنی یا به عبارت دیگر سرمایه اجتماعی به گونه‌ای رشد یابند که احساس تعلق خاطر جمعی و هم‌چنین همبستگی اجتماعی افزایش یابد می‌توان انتظار داشت که میزان اعتماد اجتماعی افراد بیشتر شود. با افزایش میزان روابط اجتماعی فرد، دایره شمول افرادی که او می‌تواند به آن‌ها اعتماد کند وسیع‌تر می‌گردد و در واقع گروهی که فرد عضویت آن را پذیرفته و اجتماعی که او به آن تعلق دارد، بزرگ‌تر می‌شود. هنگامی که فرایند فوق صورت گرفت و احساس تعلق اجتماعی به اجتماع یا گروه تقویت گردید، همزمان با آن احساس امنیت ایجاد می‌گردد. با از بین رفتن ترس و نگرانی‌ها، از تضاد و دشمنی کاسته می‌شود و به جای آن دوستی، مودت و تعهد در ابعاد مختلف، و در نتیجه احساس تعلق خاطر جمعی و همبستگی اجتماعی شکل می‌گیرد. در چنین شرایطی افراد، دیگران را به مثابه موجوداتی صلح‌طلب، مشارکت‌جو، دیگرخواه و قابل اعتماد تلقی خواهند کرد (امیر کافی، ۱۳۸۰: ۲۵-۲۶).

به‌زعم اسلندر، ضعف اعتماد و سرمایه اجتماعی در بسیاری از کشورها به دلیل ضعف برنامه‌های حکومت برای کاهش نابرابری‌های اجتماعی است. اعتماد اجتماعی با وجود یک سری نابرابری‌های اجتماعی گسترده در جامعه ایجاد و یا گسترش پیدا می‌کند (اسلندر، ۱۳۸۷: ۱۲۸). اسلندر معتقد است که در تبیین اعتماد اجتماعی باید به رابطه آن با مفهوم «برابری» توجه کرد. وی دو دلیل را در تأیید وجود رابطه بین برابری و اعتماد اجتماعی بیان می‌کند؛ نخست این که خوش‌بینی نسبت به آینده که یکی از عوامل تعیین‌کننده اعتماد اجتماعی است از جمله موارد نشان‌دهنده کم بودن احساس وجود نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی در جامعه است. در واقع افرادی که در توزیع درآمدی جامعه در سطح پایینی قرار دارند و مورد تبعیض قرار می‌گیرند، نسبت به کسانی که برخورداری بهتری از منابع اقتصادی و فرصت‌ها دارند، کمتر شاد هستند و هم‌چنین نسبت به آینده کمتر خوش‌بین هستند. این ناامیدی و بدبینی نسبت به آینده

موجب کاهش اعتماد اجتماعی این اقشار نسبت به دولت و طبقات بالای جامعه می‌شود. دلیل دوم، این که توزیع منابع است که در تعیین عقیده مردم مبنی بر این که آیا دارای سرنوشت و تقدیر مشابهی باهم هستند، نقش کلیدی بازی می‌کند. اگر در توزیع منابع در جامعه نابرابری وجود داشته باشد، مردم ممکن است این احساس را داشته باشند که منافع مشترک کمتری با دیگران دارند. زمانی که اعضای جامعه بر این باور باشند که ثروتمند شدن از راه‌های غیرقانونی میسر است و فساد اداری و جرایم سازمان‌یافته در سطح وسیعی در جامعه رواج دارد و ثروتمندان افراد قانون‌مداری نیستند، نوعی بی‌اعتمادی نسبت به طبقات بالای جامعه و دولت در آن‌ها ایجاد می‌شود و تعارض اجتماعی در جامعه افزایش می‌یابد و مردم از آینده می‌ترسند و احساس می‌کنند که نابرابری‌ها در آینده بیشتر خواهد شد. در نتیجه، بدبینی در مورد این که کنترلی بر سرنوشت خود نداریم باعث ایجاد سطح پایینی از اعتماد در جامعه می‌شود. هنگامی که افراد خود را به‌عنوان بخشی از اجتماعی اخلاقی که دارای سرنوشت مشترکی باهم هستند نمی‌دانند، نمی‌توانند با جامعه همبستگی داشته باشند و از این رو اعتماد اجتماعی بالایی هم نخواهند داشت، چراکه همبستگی داشتن با جامعه پیش شرط داشتن اعتماد اجتماعی است (همان: ۱۳۰-۱۳۵).

در نظریه زتومکا اعتماد اجتماعی تابع مجموعه‌ای از عوامل ساختاری و فردی گوناگون است. در این پژوهش، از تئوری زتومکا مفهوم «پاسخگویی نهادها» که ناظر بر کیفیت عملکرد نهادها است، مورد توجه می‌باشد. در نظریه زتومکا عاملی که در سطح نهادی مؤثر بر میزان اعتماد اجتماعی است، پاسخگویی نهادها در قبال مردم و سایر نهادها است، که در مقابل این، خودسری و عدم مسئولیت‌پذیری قرار می‌گیرد. اگر نهادهای دولتی به‌گونه‌ای عمل کنند که بازبینی‌ها و کنترل‌های لازم را نسبت به رفتار و عملکرد کارکنان و دست‌اندرکاران خود به عمل بیاورند، و در صورتی که مردم حقوقشان توسط سازمانی به رسمیت شناخته نشده و یا تعهدات دیگران نسبت به آن‌ها نادیده گرفته شده باشد، بتوانند در مقام حل مشکل به چنین نهادهایی متوسل شوند در آن

اعتماد اجتماعی و عوامل مرتبط با آن ... ۱۲۳

صورت احساس امنیت بیشتری خواهند کرد و این احساس امنیت موجب افزایش اعتماد اجتماعی می‌شود. در مقابل عدم پاسخگویی و بی‌عدالتی از سوی نهادهای دولتی باعث می‌شود که مردم احساس کنند هیچ سازمان و مقام برتری که برای دادخواهی به آن مراجعه کنند، وجود نخواهد داشت. به عبارت دیگر داوران عادل و قابل‌اعتمادی وجود ندارند یا دسترسی به آنها میسر نمی‌باشد و یا این که به گونه‌ای بارز، مغرضانه و ناعادلانه عمل می‌نمایند. در چنین شرایطی، مردم احساس عجز و ناتوانی می‌کنند و در نتیجه، تردید و بی‌اعتمادی گسترش می‌یابد (زتومکا، ۱۳۸۶: ۲۱۶-۲۲۳).

از نظر کلاوس اوفه نهادها واسطه اعتماد هستند، چون نمایانگر ارزش‌های ویژه‌ای هستند و عملکرد مثبت آن‌ها می‌تواند دلیل و انگیزه‌ای برای وفاداری و اعتماد اجتماعی باشد. اوفه، دو ارزش حقیقت و عدالت را مهم‌ترین ارزش‌هایی می‌داند که تحقق آن‌ها توسط نهادهای دولتی، موجب ایجاد اعتماد می‌گردد. اگر استنباط اعضای جامعه این باشد که رژیم‌های نهادی بر طبق چهار معیار: پایبند کردن اعضای خود به فضیلت حقیقت‌گویی، وفای به عهد، عملکرد منصفانه و سعی در کاهش تبعیض‌ها، معمولاً خوب عمل می‌کنند، شهروندان به همدیگر و به نهادهای دولتی اعتماد خواهند کرد. برعکس، مشاهده نهادهای ناکارآمد از یک سو موجب کاهش اعتبار اخلاقی و مشروعیت نهادها شده و از سوی دیگر مخاطرات اعتماد کردن به دیگران را افزایش داده و اعتماد کنندگان را آسیب‌پذیرتر خواهد کرد، در نتیجه بی‌اعتمادی و در نهایت بدبینی به نظام افزایش می‌یابد (اوفه، ۱۳۸۴: ۲۱۰-۲۱۵).

از نظر رزستاین برداشت‌های افراد از نهادهای سیاسی کارآمد، عادل و منصف، بر اعتماد تعمیم یافته افراد مؤثر است. به عبارت دیگر آنچه برای اعتماد اجتماعی مهم است، کارآمدی و عدالت نهادها می‌باشد. رزستاین بر این باور است که دولت باید قراردادهایی منعقد سازد که در آن بر فراهم کردن اطلاعات، نظارت بر اجرای قوانین و وضع قوانینی برای مجازات قانون‌شکنان، تأکید شود. بر مبنای این نظریه اگر شهروندان بر این باور باشند که نهادهای سیاسی به طور منصفانه و کارآمد عمل می‌کنند، از یک سو

به دلیل عملکرد مطلوب نهادهای دولتی، اعتماد نهادی آنها افزایش می‌یابد و از سوی دیگر می‌توانند باور کنند که شانس افراد قانون‌شکن و متخلف برای گریز از اعمال قانون و مجازات کم است. در این شرایط شهروندان به این نتیجه می‌رسند که مردم دلیل خوبی برای اجتناب از رفتارهای مغایر با قوانین و هنجارها و خیانت به اعتماد کنندگان دارند و بنابراین مردم بیشتر قابل اعتماد هستند. (Rothstein, B., and D. Stolle, 2008: 2)

در نظریه کلمن میزان اعتماد اجتماعی تحت تأثیر احساس عدالت در چهار بعد: احساس برابری توزیعی، قانونی، فرصتی و مشارکتی است. احساس برابری توزیعی متضمن این باور است که نظام سیاسی، حقوق شهروندی را برای همه شهروندان خود تأمین می‌کند. احساس برابری قانونی بدین معناست که شهروندان باور دارند که نظام سیاسی همه آنها را در مقابل قانون یکسان می‌شمرد. احساس برابری فرصتی متضمن باور شهروندان به رعایت معیارهای شایستگی در واگذاری نقش‌های اداری و سیاسی است و احساس برابری مشارکتی حاکی از ثمربخشی سیاسی است. یعنی شهروندان باور دارند که رأی آنها بر روی تصمیمات حکومتی تأثیرگذار است و حکومت به خواست آنها اهمیت لازم را می‌دهد. بهبود احساس عدالت و برابری در نزد اعضای جامعه، موجب افزایش مشروعیت نظام سیاسی شده و از این طریق اعتماد نهادی در جامعه افزایش می‌یابد. (کلمن، ۱۳۸۰: ۱۲۳ - ۱۲۴).

چارچوب نظری

به‌طور کلی نظریات اعتماد اجتماعی را می‌توان بر اساس حوزه مورد تأکیدشان به دو دسته تقسیم کرد. دسته نخست نظریاتی هستند که در آنها گستردگی روابط و تعاملات اجتماعی یا به تعبیر دیگر سرمایه اجتماعی، به‌عنوان خاستگاه اعتماد معرفی می‌شود، درحالی‌که در رهیافت دوم، اعتماد تابع عملکرد و خروجی نهادهای دولتی است. نظریه‌پردازانی که در رهیافت دوم قرار می‌گیرند، اگرچه نقش سرمایه اجتماعی را در

ایجاد اعتماد اجتماعی می‌پذیرند اما تأثیر عوامل نهادی را بر میزان اعتماد اجتماعی مهم‌تر از سرمایه اجتماعی می‌دانند. در این رهیافت، بر این قضیه تأکید می‌شود که درک افراد از نهادهای دولتی کارآمد، عادل و منصف، بر اعتماد اجتماعی افراد مؤثر است. به‌گونه‌ای که نهادهای دولتی به‌واسطه کارآمدی و عدالت خود، قراردادهای بین افراد را تضمین می‌کنند و خیانت‌کنندگان به قراردادهای را مجازات می‌کنند. از این رو افراد به این نتیجه می‌رسند که سایر شهروندان به دلیل وجود نهادهای قانونمند و عدالت‌محور، به اعتماد آن‌ها خیانت نمی‌کنند و بنابراین قابل اعتماد هستند. از سوی دیگر عملکرد منفی نهادهای دولتی و بی‌عدالتی و فساد از سوی آن‌ها موجب می‌گردد که اعضای جامعه به این باور برسند که اگر از اعتماد آن‌ها سوءاستفاده شود، جایی یا کسی وجود ندارد که بتوانند به آن پناه ببرند، در نتیجه چنین شرایطی بدبینی و بی‌اعتمادی به نهادها و نیز سایر شهروندان به وجود می‌آید (رزستاین، ۲۰۰۵؛ رزستاین و استول، ۲۰۰۸). بر این اساس نظریات پاتنام، دورکیم و چلبی در این دسته نخست، و نظریات نظریه‌پردازانی همچون رزستاین، اوفه، اسلندر، کلمن و زتومکا که اعتماد را تابع عملکرد و خروجی نهادهای دولتی می‌دانند در رهیافت دوم قرار می‌گیرند.

در این پژوهش جهت تبیین تئوریک مسئله مورد مطالعه و ارائه دستگاہ نظری مناسب، با بهره‌گیری از هر دو رهیافت موجود در حوزه اعتماد اجتماعی، مدل نظری بر مبنای مفاهیم «گسترده‌گی روابط اجتماعی»، «فردگرایی خودخواهانه»، و «احساس عدالت» تدوین گردیده است. مفهوم گسترده‌گی روابط اجتماعی برگرفته از نظریات پاتنام، دورکیم و چلبی است. در نظریات پاتنام، دورکیم و چلبی گسترده‌گی روابط و تعاملات اجتماعی به‌عنوان منشأ اعتماد معرفی می‌شود. بر مبنای این نظریات شبکه‌های روابط اجتماعی از طریق افزایش شناخت کنشگران نسبت به یکدیگر، افزایش هزینه‌های بالقوه عهدشکنی در معاملات، تقویت هنجارهای معامله متقابل، بهبود جریان اطلاعات و افزایش حس تعلق به جمع، موجب افزایش اعتماد اجتماعی می‌شوند.

مفهوم احساس عدالت بر مبنای نظریات نهادی رزستاین، اوفه، اسلندر، کلمن، و زتومکا وارد مدل نظری شده است. بر مبنای این نظریات، اعتماد اجتماعی تابع درک اعضای جامعه از کارآمدی و عدالت محوری نهادهای دولتی است. بر مبنای دیدگاه نهادی اگر شهروندان بر این باور باشند که نهادهای سیاسی به طور منصفانه و کارآمد عمل می‌کنند، از یک سو به دلیل عملکرد مطلوب نهادهای دولتی، اعتماد نهادی آن‌ها افزایش می‌یابد و از سوی دیگر می‌توانند باور کنند که شانس افراد قانون‌شکن و متخلف برای گریز از اعمال قانون و مجازات کم است. در این شرایط شهروندان به این نتیجه می‌رسند که مردم دلیل خوبی برای اجتناب از رفتارهای مغایر با قوانین و هنجارها و خیانت به اعتماد کنندگان دارند و بنابراین مردم بیشتر قابل اعتماد هستند. در مقابل مشاهده نهادهای ناکارآمد از یک سو موجب کاهش اعتبار اخلاقی و مشروعیت نهادها شده و از سوی دیگر مخاطرات اعتماد کردن به دیگران را افزایش داده و اعتماد کنندگان را آسیب‌پذیرتر خواهد کرد، در نتیجه بی‌اعتمادی افزایش می‌یابد. مفهوم فردگرایی خودخواهانه از نظریه دورکیم استخراج شده است. بر اساس نظریه دورکیم فردگرایی منفی یا خودخواهانه، موجب کاهش روابط و تعاملات اجتماعی فرد شده و به تبع آن فرد حس تعلق به جمع و وابستگی عاطفی خود را به جامعه از دست می‌دهد در نتیجه اعتماد اجتماعی کاهش می‌یابد. از سوی دیگر فردگرایی خودخواهانه موجب کاهش مدارا و تحمل اجتماعی فرد نسبت به نظرات، سلیق و ارزش‌ها دیگران می‌شود و در نتیجه افراد آمادگی کمتری برای اعتماد کردن به دیگران خواهند داشت.

فرضیات پژوهش

۱- بین گستردگی روابط اجتماعی افراد و میزان اعتماد اجتماعی آن‌ها رابطه معناداری وجود دارد. به گونه‌ای که هرچه میزان روابط اجتماعی افراد بیشتر باشد، میزان اعتماد اجتماعی آن‌ها نیز افزایش می‌یابد.

اعتماد اجتماعی و عوامل مرتبط با آن ... ۱۲۷

۲- بین احساس عدالت و میزان اعتماد اجتماعی افراد رابطه معناداری وجود دارد. به گونه‌ای که هرچه احساس بی‌عدالتی در افراد بیشتر باشد، میزان اعتماد اجتماعی آن‌ها کاهش می‌یابد.

۳- بین فردگرایی خودخواهانه و میزان اعتماد اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد. به گونه‌ای که هرچه میزان فردگرایی خودخواهانه در افراد بیشتر باشد، میزان اعتماد اجتماعی آن‌ها کاهش می‌یابد.

روش تحقیق

جامعه آماری پژوهش حاضر شامل تمامی ساکنان شهر مشهد که در محدوده سنی ۱۸ تا ۳۰ سال قرار می‌گیرند، می‌باشد که بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰، تعداد آن‌ها ۷۴۵۹۱۶ نفر است. در این تحقیق، حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۴ نفر محاسبه گردیده است. در این پژوهش به دلیل ساختار جامعه آماری از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شده است. بر مبنای این شیوه نمونه‌گیری در پژوهش حاضر هریک از مناطق ۱۳ گانه شهر مشهد به‌عنوان یک خوشه در نظر گرفته شده و از هر منطقه یک محله و از هر محله یک بلوک به‌صورت تصادفی انتخاب شده و سپس به روش تصادفی در هر بلوک چند شهروند (۱۸ تا ۳۰ ساله) مورد پرسش قرار گرفته‌اند. با توجه به هم‌وزن نبودن خوشه‌ها (یکسان نبودن جمعیت مناطق ۱۳ گانه مشهد) حجم نمونه هر یک از خوشه‌ها به نسبت جمعیت آن خوشه به شرح جدول ذیل محاسبه گردیده است.

با توجه به ساختار و سؤالات تحقیق، روش مورد استفاده در این پژوهش روش «پیمایش» می‌باشد. از آنجاکه این تحقیق به‌صورت پیمایشی صورت می‌گیرد، مناسب‌ترین تکنیک، مصاحبه با استفاده از ابزار پرسشنامه می‌باشد تا بتوان مجموعه‌ای از اطلاعات قابل‌تعمیم به جامعه آماری بدست آورد. پرسشنامه نیز ترکیب مجموعه‌ای

از گویه‌ها و به شکل طیف لیکرت بوده است. برای ارزیابی پایایی ابزار سنجش در پژوهش حاضر از ضریب آلفای کرونباخ در مرحله پیش‌آزمون استفاده شده است. بدین ترتیب که پس از تدوین پرسشنامه، آزمون مقدماتی (پیش‌آزمون) با نمونه‌ای به تعداد ۳۰ نفر انجام شد و بر مبنای آن ضریب آلفای کرونباخ برای چهار شاخص پژوهش حاضر، به شرح جدول شماره ۱، محاسبه گردیده است.

جدول ۱ - ضرایب آلفای کرونباخ شاخص‌ها

| شاخص‌ها | ضریب آلفای کرونباخ |
|---------------------|--------------------|
| اعتماد اجتماعی | ۰/۸۵ |
| میزان روابط اجتماعی | ۰/۷۱ |
| احساس عدالت | ۰/۷۶ |
| فردگرایی خودخواهانه | ۰/۸۳ |

تعاریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای پژوهش

تعریف مفهومی و عملیاتی اعتماد اجتماعی: عبارت است از تمایل فرد به قبول ریسک در یک موقعیت اجتماعی، که این تمایل مبتنی بر حس اطمینان به این نکته است که دیگران به‌گونه‌ای که انتظار می‌رود عمل نموده و شیوه‌ای حمایت‌کننده را در پیش خواهند گرفت (شارع پور، ۱۳۸۵: ۴۳). هم‌چنین اعتماد اجتماعی را می‌توان داشتن دید مثبت و حسن ظن درباره افراد و نهادهای جامعه دانست به‌نحوی که این حسن ظن سبب تسهیل روابط اجتماعی شود (ساعی، ۱۳۸۹). در این پژوهش اعتماد اجتماعی در سه بعد اعتماد بین شخصی، اعتماد تعمیم‌یافته و اعتماد نهادی موردسنجش قرار گرفته است. اعتماد بین شخصی بیانگر اعتماد به افراد آشنا نظیر اعضای خانواده، دوستان، همسایگان آشنا و همکاران می‌شود. اعتماد تعمیم‌یافته، اعتماد به غریبه‌ها و عموم مردم جامعه است و بُعد اعتماد نهادی شامل اعتماد به نیروی انتظامی، شهرداری،

اعتماد اجتماعی و عوامل مرتبط با آن ... ۱۲۹

دادگاه‌ها، بیمارستان‌ها، مجلس شورای اسلامی، صداوسیما، ادارات دولتی، شرکت‌های صنعتی و تولیدی، بانک‌ها، روحانیون، بازاریان و سیاستمداران است.

تعریف مفهومی و عملیاتی گسترده‌ی روابط اجتماعی: اصطلاح رابطه اجتماعی

برای ترسیم شرایطی به کار می‌رود که دو یا چند نفر در رفتاری مشارکت دارند که در چارچوب آن، هر یک از آنان رفتار دیگری را به طرز معناداری به حساب می‌آورد. در نتیجه رفتار مذکور بر همین اساس جهت‌گیری می‌شود (ویر، ۱۳۷۴: ۳۱). در این پژوهش شاخص روابط اجتماعی افراد در دو بُعد روابط غیررسمی و روابط رسمی به صورت ذیل عملیاتی شده است. روابط غیررسمی شامل گفتگو و تماس با اعضای خانواده، دوستان، خویشاوندان و همسایگان است و روابط رسمی بر اساس مشارکت فرد در مراسم مذهبی، باشگاه‌ها و انجمن‌های ورزشی، انجمن‌های خیریه، انجمن‌های فرهنگی و هنری، احزاب و تشکل‌های سیاسی و شوراهای محلی سنجیده شده است.

تعریف مفهومی و عملیاتی احساس عدالت: بر اساس نظر کلمن احساس

عدالت به چهار بُعد احساس برابری توزیعی، قانونی، فرصتی و مشارکتی قابل تقسیم است. احساس برابری توزیعی متضمن این باور است که نظام سیاسی، حقوق شهروندی را برای همه شهروندان خود تأمین می‌کند. احساس برابری قانونی بدین معناست که شهروندان باور دارند که نظام سیاسی همه آن‌ها را در مقابل قانون یکسان می‌شمرد. احساس برابری فرصتی متضمن باور شهروندان به رعایت معیارهای شایستگی در واگذاری نقش‌های اداری و سیاسی است و احساس برابری مشارکتی حاکی از ثمربخشی سیاسی است. یعنی شهروندان باور دارند که رأی آن‌ها بر روی تصمیمات حکومتی تأثیرگذار است و حکومت به خواست آن‌ها اهمیت لازم را می‌دهد (یوسفی، ۱۳۸۳: ۶۹).

تعریف مفهومی و عملیاتی فردگرایی خودخواهانه: فردگرایی خودخواهانه به

معنای تمایل کنشگر به دنبال کردن اهداف شخصی در مقابل اهداف جمعی است.

اهداف شخصی، اهدافی هستند که در آن علایق، اهداف، منافع و تمایلات فردی به مراتب مهم‌تر از انتظارات جمع یا تعهدات جمعی می‌باشد. در این وضعیت افراد احساس تعهد ضعیفی نسبت به جمع یا جامعه دارند (معدفر و صبوری خسروشاهی، ۱۳۸۹: ۱۰۲). این متغیر بر مبنای معرف‌هایی چون: تمایل فرد به مشارکت در فعالیت‌های جمعی، میزان مدارا و تساهل نسبت به دیگران، بی‌توجهی به انتظارات دیگران در انجام کنش‌ها، بی‌توجهی به ارزش‌های اجتماعی، منفعت‌طلبی شخصی و گرایش به زندگی مستقل سنجیده شده است.

یافته‌های تحقیق

بر اساس شواهد، ۳۶/۲ درصد از پاسخگویان زن و ۶۳/۸ درصد مرد می‌باشند. نشان می‌دهد که ۷۳/۲ درصد از پاسخگویان مجرد و ۲۶/۸ درصد از آن‌ها متأهل هستند. توزیع پاسخگویان را برحسب سطح تحصیلات نشان می‌دهد. بیشترین تعداد پاسخگویان در سطح لیسانس با ۶۱/۲ درصد قرار دارند، ۲۷/۱ درصد در سطح دیپلم و ۱۱/۷ درصد نیز دارای تحصیلات بالاتر از لیسانس هستند.

توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب ابعاد مختلف اعتماد اجتماعی به این ترتیب بوده است که اعتماد بین شخصی ۴۸/۴ درصد پاسخگویان زیاد، ۴۰/۹ درصد پاسخگویان متوسط و ۱۰/۷ درصد کم بوده است. میزان اعتماد تعمیم‌یافته در بین ۲۰/۸ درصد پاسخگویان زیاد، ۵۶/۲ درصد متوسط و ۲۳ درصد کم بوده است. هم‌چنین میزان اعتماد نهادی در ۲۲/۷ درصد پاسخگویان زیاد، ۴۷/۴ درصد متوسط و ۲۹/۹ درصد کم بوده است.

اعتماد اجتماعی و عوامل مرتبط با آن ... ۱۳۱

جدول ۲ - توزیع درصدی، میانگین و انحراف معیار متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق

| متغیر | کم | متوسط | زیاد | میانگین | انحراف معیار | چارک سوم |
|---------------------|------|-------|------|---------|--------------|----------|
| اعتماد اجتماعی | ۲۱/۴ | ۵۳/۱ | ۲۵/۵ | ۵۱/۷۰ | ۲۰/۶۵ | ۶۸/۲ |
| میزان روابط اجتماعی | ۲۲/۱ | ۵۱/۳ | ۲۶/۶ | ۵۰/۴۳ | ۲۰/۷۰ | ۶۶/۷۵ |
| احساس عدالت | ۲۰/۰ | ۵۹/۱ | ۲۰/۹ | ۴۸/۶۵ | ۲۰/۲۲ | ۶۳/۳۳ |
| فردگرایی خودخواهانه | ۱۶/۴ | ۴۷/۴ | ۳۶/۲ | ۵۷/۵۲ | ۲۲/۱۰ | ۷۷/۰۷ |

بر مبنای اطلاعات جدول ۲، میانگین شاخص اعتماد اجتماعی که از ترکیب سه شاخص اعتماد بین شخصی، اعتماد تعمیم یافته و اعتماد نهادی و بر مبنای نمره صفر تا صد تشکیل شده، در جامعه نمونه تحقیق حاضر معادل ۵۱/۷۰ از صد نمره می باشد. هم چنین یافته های توصیفی نشان می دهد که ۲۵/۵ درصد از پاسخگویان دارای اعتماد اجتماعی زیاد هستند، ۵۳/۱ درصد اعتماد اجتماعی متوسط و ۲۱/۴ درصد اعتماد اجتماعی شان در سطح کم قرار دارد. مقدار چارک سوم ۶۸/۲ است که دلالت بر آن دارد که ۷۵ درصد پاسخگویان نمره ای کمتر از ۶۸/۲ دارند و تنها ۲۵ درصد از آنها از نمرات بالایی از حیث اعتماد اجتماعی برخوردارند.

نتایج جدول ۲، در مورد متغیرهای مستقل تحقیق نیز نشان می دهد که میانگین میزان روابط اجتماعی معادل ۵۰/۴۳ می باشد و میزان روابط اجتماعی در بین ۲۶/۶ درصد از پاسخگویان در حد زیاد، ۲۲/۱ درصد از آنها روابط اجتماعی شان در سطح پایین و ۵۱/۳ درصد آنها رتبه متوسط از حیث روابط اجتماعی دارند. هم چنین میانگین احساس عدالت در میان پاسخگویان معادل ۴۸/۶۵ است و توزیع درصدی متغیر احساس عدالت بیانگر آن است که این میزان در میان ۲۱ درصد از پاسخگویان زیاد، ۵۹/۱ درصد در حد متوسط، و ۲۰ درصد کم بوده است. میانگین میزان فردگرایی خودخواهانه در میان پاسخگویان برابر با ۵۷/۵۲ بوده و این میزان در ۳۶ درصد از

پاسخگویان زیاد، ۴۷/۴ درصد از آن‌ها در سطح متوسط و ۱۶/۴ درصد نیز در رتبه کم بوده است.

برای مقایسه میانگین اعتماد اجتماعی در بین مردان و زنان و همچنین در میان افراد مجرد و متأهل از آزمون تی استفاده شده است که نتایج این آزمون‌ها در جدول شماره ۳ بیان شده است.

جدول ۳ - خروجی آزمون تی جهت مقایسه میزان اعتماد اجتماعی در گروه‌های گوناگون

| متغیر | مقولات | میانگین | انحراف معیار | تی | درجه آزادی | سطح معناداری |
|------------|--------|---------|--------------|--------|------------|--------------|
| جنسیت | مرد | ۵۰/۳ | ۲۱/۳ | ۱/۷۱۲ | ۳۸۲ | ۰/۱۳۵ |
| | زن | ۵۴/۰ | ۱۹/۲ | | | |
| وضعیت تأهل | مجرد | ۵۰/۱ | ۲۰/۲ | -۲/۵۰۱ | ۳۸۲ | ۰/۳۲۴ |
| | متأهل | ۵۶/۰ | ۲۷/۲ | | | |

بر اساس نتایج جدول ۳، با توجه به sig بدست آمده که معادل ۰/۱۳۵ است، می‌توان گفت که بین زنان و مردان از حیث اعتماد اجتماعی تفاوت معناداری وجود ندارد و متغیر جنسیت در تغییر میزان اعتماد اجتماعی تأثیر معناداری ندارد. همچنین یافته‌های آزمون تی در مورد وضعیت تأهل نشان می‌دهد که میانگین میزان اعتماد اجتماعی افراد مجرد تفاوت معنی‌داری (sig = ۰/۳۲۴) با میزان اعتماد اجتماعی افراد متأهل ندارد.

برای مقایسه میانگین اعتماد اجتماعی در بین افراد با تحصیلات مختلف از آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه استفاده شده است. نتایج این آزمون (جدول ۴) نشان داد که با توجه به سطح معنی‌داری بدست آمده (sig= ۰/۱۹۸) میانگین اعتماد اجتماعی در بین افراد با سطوح مختلف تحصیلات (دیپلم، لیسانس و تحصیلات عالی) تفاوت معناداری ندارد.

اعتماد اجتماعی و عوامل مرتبط با آن ... ۱۳۳

جدول ۴- نتایج آزمون تحلیل واریانس تفاوت اعتماد اجتماعی بر حسب سطح تحصیلات

| واریانس | درجه آزادی | میانگین مجذورات | F | سطح معنی داری |
|------------|------------|-----------------|-------|---------------|
| بین گروهی | ۲ | ۶۹۱/۵۴ | ۱/۶۲۷ | ۰/۱۹۸ |
| درون گروهی | ۳۸۱ | ۴۲۵/۱۳ | | |
| جمع | ۳۸۳ | | | |

در این تحقیق ابتدا با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون به بررسی و سنجش همبستگی بین متغیرهای مستقل و ابعاد اعتماد اجتماعی، پرداخته شده است و سپس جهت مشخص نمودن سهم و تأثیر متغیرهای مستقل (گسترده‌گی روابط اجتماعی، احساس عدالت، فردگرایی خودخواهانه) در تعیین و پیش‌بینی تغییرات متغیر وابسته از تحلیل رگرسیون استفاده شده است.

جدول ۵- نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین گسترده‌گی روابط اجتماعی و ابعاد اعتماد اجتماعی

| متغیرها | همبستگی پیرسون | سطح معناداری |
|--------------------|----------------|--------------|
| اعتماد بین شخصی | ۰/۲۱۸ | ۰/۰۰۰ |
| اعتماد تعمیم‌یافته | ۰/۳۳۵ | ۰/۰۰۰ |
| اعتماد نهادی | ۰/۴۲۲ | ۰/۰۰۰ |
| اعتماد اجتماعی | ۰/۴۳۹ | ۰/۰۰۰ |

نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین متغیر مستقل روابط اجتماعی و ابعاد متغیر وابسته (اعتماد اجتماعی) نشان داد که رابطه میان آن‌ها معنادار ($\text{sig} = ۰/۰۰۰$) است و با افزایش میزان روابط اجتماعی، میزان اعتماد اجتماعی نیز افزایش می‌یابد. همچنین تأثیر متغیر روابط اجتماعی بر اعتماد نهادی (۰/۴۲۲) بیش از ابعاد دیگر اعتماد اجتماعی است. شدت همبستگی روابط اجتماعی و اعتماد اجتماعی ۰/۴۳۹ می‌باشد. نتایج جدول

۸ نشان می‌دهد که مقدار ضریب تعیین در مورد رابطه میان میزان روابط اجتماعی و اعتماد اجتماعی برابر با ۰/۱۹۲ است، که بیانگر آن است که ۱۹ درصد از کل تغییرات یا واریانس میزان اعتماد اجتماعی در بین جوانان شهر مشهد توسط متغیر گستردگی یا روابط اجتماعی تبیین می‌شود. مقدار بتا محاسبه شده نیز نشان می‌دهد که به ازای هر واحد افزایش در متغیر میزان روابط اجتماعی، ۰/۴۳۹ واحد به متغیر میزان اعتماد اجتماعی افزوده می‌شود. بر مبنای یافته‌های فوق، رابطه بین میزان روابط اجتماعی و میزان اعتماد اجتماعی تأیید می‌شود.

جدول ۶ - نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین احساس عدالت و ابعاد اعتماد اجتماعی

| سطح معناداری | همبستگی پیرسون | متغیرها |
|--------------|----------------|--------------------|
| ۰/۰۰۰ | ۰/۲۴۲ | اعتماد بین شخصی |
| ۰/۰۰۰ | ۰/۳۷۶ | اعتماد تعمیم‌یافته |
| ۰/۰۰۰ | ۰/۵۵۵ | اعتماد نهادی |
| ۰/۰۰۰ | ۰/۵۴۵ | اعتماد اجتماعی |

نتایج آزمون پیرسون برای سنجش همبستگی بین احساس عدالت و ابعاد اعتماد اجتماعی نشان داد که رابطه معناداری ($\text{sig} = ۰/۰۰۰$) بین آن‌ها وجود دارد و با افزایش احساس عدالت، میزان اعتماد اجتماعی نیز افزایش می‌یابد. همچنین شدت همبستگی احساس عدالت با اعتماد نهادی ۰/۵۵۵ است، که بیشتر از دو بعد دیگر اعتماد اجتماعی می‌باشد و این میزان در مورد اعتماد تعمیم‌یافته و اعتماد بین شخصی به ترتیب ۰/۳۷۶ و ۰/۲۴۲ است. نتایج رگرسیون خطی ساده در بررسی رابطه میان احساس عدالت و اعتماد اجتماعی، بیانگر آن است که نسبتی از واریانس یا تغییرات اعتماد اجتماعی که از

اعتماد اجتماعی و عوامل مرتبط با آن ... ۱۳۵

طریق عامل احساس عدالت تبیین می‌شود، برابر با ۰/۲۹۵ می‌باشد. بر اساس نتایج (جدول ۸) رابطه بین میزان احساس عدالت و میزان اعتماد اجتماعی تأیید می‌شود و مقدار بتا محاسبه شده نشان می‌دهد که به ازای هر واحد افزایش در متغیر میزان احساس عدالت، ۰/۵۴۵ واحد به متغیر میزان اعتماد اجتماعی افزوده می‌شود.

جدول ۷ - نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین فردگرایی خودخواهانه و ابعاد اعتماد اجتماعی

| متغیرها | همبستگی پیرسون | سطح معناداری |
|--------------------|----------------|--------------|
| اعتماد بین شخصی | -۰/۱۱۹ | ۰/۰۰۰ |
| اعتماد تعمیم‌یافته | -۰/۲۸۳ | ۰/۰۰۰ |
| اعتماد نهادی | -۰/۳۹۶ | ۰/۰۰۰ |
| اعتماد اجتماعی | -۰/۳۸۴ | ۰/۰۰۰ |

نتایج آزمون پیرسون برای سنجش همبستگی بین فردگرایی خودخواهانه و ابعاد اعتماد اجتماعی نشان داد که رابطه معناداری در جهت منفی ($\text{sig} = ۰/۰۰۰$) بین آن‌ها وجود دارد و با افزایش فردگرایی خودخواهانه، میزان اعتماد اجتماعی کاهش می‌یابد. همچنین شدت همبستگی احساس عدالت با اعتماد نهادی -۰/۳۹۶ است، که بیشتر از دو بعد دیگر اعتماد اجتماعی می‌باشد و این میزان در مورد اعتماد تعمیم‌یافته و اعتماد بین شخصی به ترتیب -۰/۲۸۳ و -۰/۱۱۹ است. در بررسی رابطه بین میزان فردگرایی خودخواهانه و اعتماد اجتماعی، نتایج آزمون رگرسیون خطی ساده نشان داد که ۰/۱۴۶ مقدار از واریانس یا تغییرات اعتماد اجتماعی توسط متغیر فردگرایی خودخواهانه تبیین می‌شود. مقدار بتا برابر با -۰/۳۸۴ است که بیانگر رابطه معکوس میان دو متغیر می‌باشد. بنابراین به ازای هر واحد افزایش در متغیر میزان فردگرایی خودخواهانه، ۰/۳۸۴ واحد از متغیر میزان اعتماد اجتماعی کاسته می‌شود. رابطه بین میزان فردگرایی خودخواهانه و میزان اعتماد اجتماعی تأیید می‌شود.

جدول ۸ - خروجی آزمون رگرسیون تأثیر متغیرهای مستقل بر میزان اعتماد اجتماعی

| متغیرهای مستقل | مقدار T | ضریب تعیین | بتا | سطح معناداری |
|---------------------|---------|------------|--------|--------------|
| میزان روابط اجتماعی | ۹/۵۳۸ | ۰/۱۹۲ | ۰/۴۳۹ | ۰/۰۰۰ |
| احساس عدالت | ۱۲/۶۹۰ | ۰/۲۹۷ | ۰/۵۴۵ | ۰/۰۰۰ |
| فردگرایی خودخواهانه | -۸/۱۳۸ | ۰/۱۴۸ | -۰/۳۸۴ | ۰/۰۰۰ |

رگرسیون چند متغیری

برای پیش‌بینی و تبیین متغیر وابسته بر اساس مجموع متغیرهای مستقل از روش رگرسیون چند متغیری گام‌به‌گام استفاده شده است. تحلیل رگرسیون تا دو گام پیش رفته است و دو متغیر احساس عدالت و گستردگی روابط اجتماعی در مدل نهایی باقی‌مانده‌اند. به‌طوری‌که در گام اول احساس عدالت وارد معادله شده که میزان همبستگی آن با متغیر وابسته ۰/۵۴۵ و میزان ضریب تعیین تعدیل شده ۰/۲۹۵ بدست آمده است و در گام دوم با وارد شدن متغیر گستردگی روابط اجتماعی، ضریب همبستگی چندگانه به ۰/۶۰۱، ضریب تعیین ۰/۳۶۱ و ضریب تعیین تعدیل شده به ۰/۳۵۸ افزایش یافته است. بر اساس ضریب تعیین تعدیل شده بدست آمده در مدل نهایی، می‌توان گفت که ۳۶ درصد از تغییرات اعتماد اجتماعی (متغیر وابسته) توسط دو متغیر احساس عدالت و گستردگی روابط اجتماعی تبیین می‌شود. همچنین با توجه به $\text{sig}=0/000$ بدست آمده، رگرسیون معنادار بوده درحالی‌که با توجه به سطح معناداری متغیر فردگرایی خودخواهانه یعنی $\text{sig}=0/083$ ، این متغیر از مدل رگرسیون خارج شده است. ضرایب بتای بدست آمده نیز برای دو متغیر احساس عدالت و گستردگی روابط اجتماعی به ترتیب ۰/۴۴۳ و ۰/۲۷۴ بوده که حاکی از این است که متغیر احساس عدالت دارای بیشترین تأثیر بر متغیر وابسته بوده و در تبیین اعتماد اجتماعی تعیین‌کننده‌تر است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در این پژوهش مفهوم اعتماد اجتماعی بر مبنای سه بعد اعتماد بین شخصی، اعتماد تعمیم‌یافته و اعتماد نهادی موردسنجش قرار گرفته است. یافته‌های تجربی تحقیق نشان می‌دهد که ۴۸/۴ درصد از پاسخگویان دارای اعتماد بین شخصی بالا، ۴۰/۹ درصد متوسط و ۱۰/۷ درصد از اعتماد بین شخصی پایینی برخوردارند. از نظر اعتماد تعمیم‌یافته ۵۶/۲ درصد از پاسخگویان در رده متوسط، ۲۳ درصد کم و تنها ۲۰/۸ درصد پاسخگویان در رتبه بالا قرار گرفته‌اند. توزیع پاسخگویان برحسب شاخص اعتماد نهادی نشان می‌دهد که در حدود نیمی از پاسخگویان یعنی ۴۷/۴ درصد آن‌ها از نظر میزان اعتماد نهادی در رتبه متوسط قرار گرفته‌اند، ۲۹/۹ درصد اعتماد کمی به نهادها دارند و تنها ۲۲/۷ درصد از حیث اعتماد نهادی در رتبه بالا قرار گرفته‌اند. با توجه به نتایج توصیفی تحقیق در باب ابعاد اعتماد اجتماعی نشان می‌دهد که میزان اعتماد بین شخصی نسبت به دو بعد دیگر اعتماد اجتماعی در سطح بالاتری قرار دارد. در سطح تبیینی، فرضیات تحقیق که بیانگر تأثیر متغیرهای گسترده‌تری روابط اجتماعی، احساس عدالت، و فردگرایی خودخواهانه بر میزان اعتماد اجتماعی است، بر مبنای گزاره‌های مشاهده‌ای و از طریق تحلیل رگرسیون مورد آزمون و داوری قرار گرفتند. برای آزمون رابطه میان متغیرهای جنسیت، وضعیت تأهل و میزان تحصیلات با اعتماد اجتماعی از آزمون‌های تی و تحلیل واریانس استفاده شده است که نتایج بدست آمده از آزمون تی نشان داد که میانگین اعتماد اجتماعی برحسب جنسیت و وضعیت تأهل، تفاوت معناداری ندارد. نتایج آزمون تحلیل واریانس نیز نشان داد که با میانگین اعتماد اجتماعی در بین افراد با سطوح مختلف تحصیلات (دیپلم، لیسانس و تحصیلات عالی) تفاوت معناداری ندارد. نتایج بدست آمده از آزمون همبستگی پیرسون بین متغیرهای مستقل و ابعاد اعتماد اجتماعی نشان می‌دهد که بین متغیرهای میزان روابط اجتماعی و احساس عدالت، متغیر وابسته همبستگی مثبت و معناداری و بین فردگرایی خودخواهانه و اعتماد اجتماعی همبستگی معناداری در جهت منفی وجود دارد و در

بین ابعاد سه‌گانه اعتماد اجتماعی (اعتماد بین شخصی، اعتماد تعمیم‌یافته و اعتماد نهادی) اعتماد نهادی بیشترین شدت همبستگی را با متغیرهای مستقل تحقیق دارد و این مطلب بیانگر آن است که افزایش یا کاهش در میزان هر یک از سه متغیر مستقل، اعتماد نهادی را بیشتر از اعتماد بین شخصی و اعتماد تعمیم‌یافته تحت تأثیر قرار می‌دهد.

برای پیش‌بینی و تبیین متغیر وابسته بر اساس مجموع متغیرهای مستقل از روش رگرسیون چند متغیری گام‌به‌گام استفاده شده است. با توجه به نتایج بدست آمده از آزمون رگرسیون گام‌به‌گام متغیرهای گسترده‌تری روابط اجتماعی و احساس عدالت، در مدل نهایی باقی ماندند و متغیر فردگرایی خودخواهانه اگرچه همبستگی معناداری با اعتماد اجتماعی دارد اما به‌عنوان متغیر پیش‌بین از مدل نهایی خارج گردید. بر اساس نتایج رگرسیون در مدل نهایی با حضور دو متغیر گسترده‌تری روابط اجتماعی و احساس عدالت، ضریب همبستگی چندگانه ۰/۶۰۱، ضریب تعیین ۰/۳۶۱ و ضریب تعیین تعدیل شده ۰/۳۵۸ بدست آمده است. بر اساس ضریب تعیین تعدیل شده بدست آمده در مدل نهایی، می‌توان گفت که ۳۶ درصد از تغییرات اعتماد اجتماعی (متغیر وابسته) توسط دو متغیر احساس عدالت و گسترده‌تری روابط اجتماعی تبیین می‌شود.

ضریب بتای بدست آمده برای متغیر گسترده‌تری روابط اجتماعی ۰/۲۷۴ بوده که نشان می‌دهد به ازای هر واحد افزایش در متغیر میزان روابط اجتماعی، ۰/۲۷۴ واحد به متغیر میزان اعتماد اجتماعی افزوده می‌شود. بر مبنای یافته‌های فوق، رابطه بین میزان روابط اجتماعی و میزان اعتماد اجتماعی تأیید می‌شود. این یافته مؤید نظریات پاتنام، دورکیم و چلبی است که در آن‌ها گسترده‌تری روابط و تعاملات اجتماعی به‌عنوان منشأ اعتماد معرفی می‌شود. بر مبنای این نظریات شبکه‌های روابط اجتماعی از طریق افزایش شناخت کنشگران نسبت به یکدیگر، افزایش هزینه‌های بالقوه عهدشکنی در معاملات، تقویت هنجارهای معامله متقابل، بهبود جریان اطلاعات، و افزایش حس تعلق به جمع، موجب افزایش اعتماد اجتماعی می‌شوند. با توجه به تأیید رابطه میان میزان روابط

اجتماعی و اعتماد اجتماعی، یکی از راهکارهای افزایش اعتماد اجتماعی زمینه‌سازی برای گسترش شبکه‌های روابط اجتماعی است. این امر از طریق توسعه تشکل‌های مدنی همچون انجمن‌های داوطلبانه، احزاب، گروه‌های صنفی، اتحادیه‌ها و انجمن‌های فرهنگی و ورزشی ممکن می‌شود. از سوی دیگر تدارک مکان‌های عمومی مانند پارک‌ها، کتابخانه‌ها، سالن‌های گردهمایی، نمایشگاه‌ها و برگزاری جشن‌ها که زمینه را برای گردهمایی و کنش متقابل شهروندان فراهم می‌کند نیز می‌تواند موجب گسترش روابط و تعاملات اجتماعی افراد و در نتیجه افزایش اعتماد اجتماعی شود.

ضرایب بتای بدست آمده نیز برای متغیر احساس عدالت ۰/۴۴۳ می‌باشد که حاکی از این است که متغیر احساس عدالت دارای بیشترین تأثیر بر متغیر وابسته بوده و در تبیین اعتماد اجتماعی تعیین‌کننده‌تر است. این نتیجه حاکی از این مطلب است که نظریات نهاد محور از توان تبیینی بیشتری در تحلیل اعتماد اجتماعی در جامعه مورد پژوهش برخوردارند. این نتایج با نظریات نهادی رزستاین، اوفه، اسلندر، کلمن و زتومکا سازگار است. در این نظریه‌ها، اعتماد اجتماعی تابع درک اعضای جامعه از کارآمدی و عدالت محوری نهادهای دولتی است. بر مبنای دیدگاه نهادی اگر شهروندان بر این باور باشند که نهادهای سیاسی به‌طور منصفانه و کارآمد عمل می‌کنند، از یک‌سو به دلیل عملکرد مطلوب نهادهای دولتی، اعتماد نهادی آن‌ها افزایش می‌یابد و از سوی دیگر می‌توانند باور کنند که شانس افراد قانون‌شکن و متخلف برای گریز از اعمال قانون و مجازات کم است. در این شرایط شهروندان به این نتیجه می‌رسند که مردم دلیل خوبی برای اجتناب از رفتارهای مغایر با قوانین و هنجارها و خیانت به اعتماد کنندگان دارند و بنابراین مردم بیشتر قابل اعتماد هستند. در مقابل مشاهده نهادهای ناکارآمد از یک‌سو موجب کاهش اعتبار اخلاقی و مشروعیت نهادها شده و از سوی دیگر مخاطرات اعتماد کردن به دیگران را افزایش داده و اعتماد کنندگان را آسیب‌پذیرتر خواهد کرد، در نتیجه بی‌اعتمادی افزایش می‌یابد. با توجه به تأیید تأثیر احساس عدالت بر اعتماد اجتماعی می‌توان گفت که تلاش در جهت تحقق عدالت در

چهار بعد عدالت توزیعی، فرصتی، قانونی و مشارکتی می‌تواند موجب تقویت اعتماد اجتماعی شود. بر این اساس عملکرد نهادهای دولتی باید به گونه‌ای باشد که شهروندان احساس کنند حقوق همه افراد محترم شمرده شده و حکومت به همه آنها به طور یکسان نگاه می‌کند (عدالت توزیعی)، افراد از فرصت‌های برابری برای پیشرفت برخوردار شوند (عدالت فرصتی)، قانون در مورد همه اقشار به طور یکسان اجرا شود (عدالت قانونی)، و رأی و نظر مردم در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها مورد توجه قرار گیرد (عدالت مشارکتی) تا از این طریق با بهبود احساس عدالت در شهروندان، زمینه برای افزایش اعتماد اجتماعی فراهم گردد.

منابع

- اجاقلو، سجاد؛ محمدجواد زاهدی. (۱۳۸۴)، «بررسی اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در بین ساکنان شهر زنجان»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره ششم، شماره ۴.
- ازکیا، مصطفی، و کریم حسنی راد. (۱۳۸۸)، «نقش اعتماد اجتماعی در مشارکت مردم در طرح‌های توسعه روستایی»، *مجله پژوهشنامه علوم اجتماعی*، سال سوم، شماره اول.
- اسلندر، اریک. (۱۳۸۷)، «همه چیز برای همه: برابری و اعتماد اجتماعی»، ترجمه: ابوعلی ودادهیر و مرتضی زین‌آبادی، *پژوهشنامه پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام*، شماره ۱۶.
- امیر کافی، مهدی. (۱۳۸۰)، «اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن» *نماینه پژوهش*، سال پنجم، شماره ۱۸.

اعتماد اجتماعی و عوامل مرتبط با آن ... ۱۴۱

- اوفه، کلاوس. (۱۳۸۴)، «چگونه می‌توان به شهروندان اعتماد داشت؟» در سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه، گردآورنده کیان تاجبخش، ترجمه: افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: نشر شیرازه.
- پاتنام، رابرت. (۱۳۸۴)، *دموکراسی و سنت‌های مدنی*، ترجمه: محمدتقی دلفروز، تهران: انتشارات روزنامه سلام.
- چلبی، مسعود. (۱۳۸۶)، *جامعه‌شناسی نظم*، تهران: نشر نی.
- دورکیم، امیل. (۱۳۶۹)، *تقسیم‌کار اجتماعی*، ترجمه: باقر پرهام، تهران: کتابسرای بابل.
- زتومکا، پیوتر. (۱۳۸۶)، *اعتماد: نظریه جامعه‌شناختی*، ترجمه: غلامرضا غفاری، تهران: نشر شیرازه.
- ساعی، علی. (۱۳۸۹)، *تحلیل فازی اعتماد اجتماعی*. (مطالعه موردی اعتماد شهروندان به شهرداری تهران)، تهران: انتشارات جامعه و فرهنگ.
- شارع پور، محمود. (۱۳۸۵)، *سرمایه اجتماعی: مفهوم‌سازی، سنجش و دلالت‌های سیاست‌گذاری*، ساری: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی مازندران.
- عباس زاده، محمد. (۱۳۸۳)، «عوامل مؤثر بر شکل‌گیری اعتماد اجتماعی دانشجویان»، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، سال چهارم، شماره ۱۵.
- کلمن، جیمز. (۱۳۸۰)، «نشانگان توسعه: انفکاک ساختاری، برابری، ظرفیت» در بحران‌ها و توالی‌ها در توسعه سیاسی، نوشته لوسین پای و دیگران، ترجمه: غلامرضا خواجه سروی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- فوکویاما، فرانسیس. (۱۳۸۴)، «*سرمایه اجتماعی و جامعه مدنی*» در سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه، گردآورنده کیان تاجبخش، ترجمه: افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: نشر شیرازه.

- معیدفر، سعید، و حبیب صبوری خسروشاهی. (۱۳۸۹)، «بررسی میزان فردگرایی فرزندان در خانواده»، *پژوهشنامه علوم اجتماعی*، سال چهارم، شماره چهارم.
- ویر، ماکس. (۱۳۷۴)، *مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی*، ترجمه: احمد صدارتی، تهران: نشر مرکز.
- وثوقی، منصور و سعیده حیدری. (۱۳۹۰)، «بررسی میزان اعتماد اجتماعی دانشجویان دختر دانشگاه‌های شهر ایلام و عوامل مؤثر بر آن»، *فصلنامه مطالعات جوانان*، سال دوم، شماره سوم.
- یوسفی، علی. (۱۳۸۳)، «برابری سیاسی و رابطه آن با مشروعیت دولت، تحلیل ثانویه نتایج یک پژوهش در سه شهر تهران، مشهد و یزد»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی* دانشگاه تربیت معلم تهران، دوره دوازدهم، شماره ۴۴.
- Almond, G and Verba, S. (1965). *The Civic Culture: Political Attitudes and Democracy in Five Nation*, Boston: Little Brown.
- Banfield, E.C. (1967). *The Moral Basis of a Backward Society*, New York: Free press.
- Delhey, J. and Newton, K. (2005). "Predicing Cross-national Levels of Social Trust: Global Pattern or Nordic Exceptionalism?", *European Sociological Review*, Vol.21, No.4, pp 311-327.
- Fritage, M. (2003). "Social Capital in (dis)Similar Democracies: The Development of Generalized Trust in Japan and Switzerland", *Comparative Political Studies*, Vol. 36, No8, pp 936-966.
- Good, D. (1988). "Individuals, interpersonal relations, and trust, in: D.Gambetta (ed), *Trust: Making and Breaking Cooperative Relations*, Oxford: Blackwell, 31-48.
- Parry, G. (1976). "Trust, Distrust and Consensus" in: *British Journal of Political Science*, vol.6, pp. 129-142.

اعتماد اجتماعی و عوامل مرتبط با آن ... ۱۴۳

- Paxton, Pamela. (2007). "Association Memberships and Generalized Trust: A Multilevel Model Across 31 Countries". *The University of North Carolina Press*, Vol. 86, No.7.
- Rothstein, B., and D. Stolle. (2008). "The State and Social Capital: A Theory of Generalized Trust". *Comparative Politics*, Vol. 40, No.4, July.
- Seligman, A. (1997). *The Problem of Trust, Princeton*, New Jersey: Princeton University Press.
- Sun, W., and X. Wang. (2012). "Do Government Actions Affect Social Trust? Cross-City Evidence". *The Social Science Journal*, Vol.49.

